

تطبیق الگوی بصیرتی در مشرب فکری امام علی (علیه السلام) و مقام معظم رهبری

زهرا ربیعی محسن^{۱*}، علی خضری^۲

۱. کارشناسی ارشد، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران.

۲. دانشیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران.

*نویسنده مسئول، زهرا ربیعی محسن،

چکیده

برای رسیدن به روشن بینی و درک درست از شرایط و فضاهای گوناگون حاکم بر جامعه باید طبق فرامین الهی که یکی از ویژگی های فرستادگان الهی داشتن بینش صحیح از رفتارها و کردارها دانسته و جامعه اسلامی و پیروان دین را همه نیازمند بر داشتن بصیرت می داند. پس برای تأیید کلام، به این مطلب می رسیم که هر جامعه ای با داشتن رهبری بصیر و نیروهایی که خود را از غفلت مصون داشته اند. در روزهای فتنه و فضاهای غبارآلود دچار تردید و اشتباه نخواهد شد و با توانی مضاعف به همراه جسارت برخورد با دیگران و اظهار حق و حقیقت به راحتی می توانند نقشه های دشمن و فتنه گران مغرض نقش بر آب نموده و جامعه را با این بصیر وسیع پاک و زلال کند. بصیرت الگویی است با فرجامی زیبا که البته در مشرب فکری امام علی (علیه السلام) هم می توان تطبیق های فراوانی با زمان رهبری مقام معظم در نظر گرفت. امام می فرماید من با نیروهای گرویده به حق، فراریان را سرکوب و با سربازان آماده به فرمان، دودلان و سوسه گر را درهم کوبم. برای موضوع تطبیق الگوی بصیرتی در مشرب فکری امام علی علیه السلام و مقام معظم رهبری مقالات خاصی ارائه نشده و در این زمینه در موارد نادری از مسائل بیان شده است.

کلید واژه: بصیرت، امام علی، امام خامنه ای، روشن بینی.



مقدمه

آدمی در مواجهه با مشکلات گاه انگیزه‌های درونی خویش را از دست می‌دهد و دیگر توانایی تصمیم‌گیری را ندارد. هدف خداوند از آفرینش آسمان، آزمایش بندگان بوده است که برای آزمودن آنان امتحانات فراوانی را بر سر راهشان قرار داده است. لذا انسان برای قبولی در این آزمون باید برخی از وسایل و ابزارها را همراه داشته باشد که یکی از وسایل مهم و ضروری انسان در این مسیر، داشتن اندیشه‌ای ژرف همراه با تیزبینی دقیق می‌باشد. در اینجا انسان دچار سردرگمی می‌گردد که چگونه می‌تواند به آن دست یابد تا در امتحان سربلند گردد. خداوند در این شرایط آدمی را رها نکرده است اولیای الهی نقش هدایتگری را در این گونه مواقع دارند تا انسان را در مسیری که همان راه راست می‌باشد رهنمون می‌سازند. بنابراین یکی از تکیه‌گاه‌های محکم انسان استفاده از بزرگواران می‌باشند چراکه هوشمندانه در زندگی شخصی و سیاسی؛ جامعه را مدیریت نمودند. امام علی (علیه السلام) یکی از شاخص‌ترین معصومین می‌باشد که در این عرصه نقش فعال را ایفاکردن به همین باب مقام معظم رهبری از ایشان در مواضع بصیرتی بهره گرفتند. برای موضوع تطبیق الگوی بصیرتی در مشرب فکری امام علی (علیه السلام) و مقام معظم در سه بخش کار و به تحلیل هر کدام درآمده است که شامل؛ 1. راه‌های کسب بصیرت (- الگوگیری از قرآن، - پیروی از سیره اهل بیت، - رعایت ایمان و تقوای الهی و...) 2. راه‌های حفظ بصیرت (- ضرورت دشمن‌شناسی و اخلاق‌گرایی با محوریت صبر...) 3. موانع بصیرت (دنیاطلبی و پیدایش بدعت‌ها)

پیشینه تحقیق

این تحقیق با رجوع به کتابهایی چون تفسیر قرآن، بیانات رهبری در سایت معتبر و کتاب جعفرزاده (گامی به سوی مهندسی فرهنگ کشور از دیدگاه رهبری، و نیز کتاب مطهری (سیری در نهج البلاغه، پیرامون انقلاب اسلامی) و... همچنین مقالاتی در خصوص واژه بصیرت به چاپ رسیده است؛ مانند بصیرت نامه (رضوانی، محمد اسماعیل، نشریه: بررسی تاریخی، ۱۳۵۲، دوره ۱۲، شماره ۵)؛ نقش بصیرت در پرورش نظامی (گودرزی، عباس؛ طهماسبی، کتاب علی، نشریه امنیت پژوهشی، دوره ۱۱، شماره ۳۷) و... لذا مقاله پیش‌رو به بیان تطبیق الگوی بصیرتی در بینش امام علی (ع) و رهبری به طور مفصل شرح خواهیم داد.



سوالات تحقیق

- تطبیق الگوی بصیرتی در مشرب فکری امام و رهبر چیست؟

- راهکارهای عملی و یا عوامل کسب بصیرت در دین و معارف

آن چیست؟

مفهوم‌شناسی بصیرت در لغات و آیات قرآن

بصیرت در لغت، به معنای عقیده قلبی، شناخت، یقین، زیرکی و عبرت آمده است. (ابن منظور، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۶۵) بصیرت در اصطلاح، عبارت است از قوه‌ای در قلب شخص، که به نور قدسی منور بوده، به وسیله آن حقایق اشیا و امور را درک می‌کند؛ همان‌گونه که شخص به وسیله چشم، صور و ظواهر اشیا را می‌بیند. (آیت الله هاشمی رفسنجانی، ۱۳۱۱، ج ۶، ص ۲۳۶)

یکی از ویژگی‌های قرآن کریم اهمیت و جایگاه بصیرت، داشتن بینش صحیح از رفتارها و کردارها است که خداوند می‌فرماید: ﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي﴾؛ بگو: طریقه من و پیروانم همین است که خلق را به خدا با بینایی و بصیرت دعوت کنیم، و خدا را از شرک و شریک منزله دانم و هرگز به خدای یکتا شرک نیاورم. (سوره یوسف: آیه ۱۰۸)

دعوت می‌کنیم خدا بگو این راه من است. من و پیروانم با بصیرت کامل، همه مردم را به سوی کسی که بصیرت لازم را داشته باشد، در فضاهای غبارآلود و روزهای فتنه، مسیر را اشتباه نخواهد پیمود و از جسارت برخورد و توانمندی با دیگران و اظهار حق برخوردار می‌شود و در مواجهه با اتفاقات خود، می‌داند چگونه عمل کند به صورت «از تو یک اشاره»، حتی اگر رهبر و ولی او سخنی نگفته باشد او بر پایه نگاه ولی، تصمیم می‌گیرد و متناسب با آن تشخیص می‌دهد و عمل می‌کند.

لذا انسان بی‌بصیرت همانند فردی، کور و کسی که قدرت تشخیص راه از چاه را ندارد، دانسته شده و کوری چشم ظاهر به مراتب سهل تر از کوری چشم باطن و عدم بصیرت شمرده شده است.

ماده بصیرت در ضمن آیات قرآن، در سه معنی بکار برده شده است:

بینایی دل

بینایی چشم



بینایی برهان



بینایی دل ← منظور عبارت ذیل: ﴿قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبُ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ إِن أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ﴾؛ «به اینها بگو: آیا کسی که عارف به مقام خدا و عالم بدین است، با آدم نادان برابر است؟» (سوره حجر: آیه ۲۱)

در اینجا آدم دانا تشبیه به بینا و آدم نادان تشبیه به کور شده است. أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ چرا نمی‌اندیشید تا منصفانه داوری کنید و وظیفه واجب خود یعنی اقرار بتوحید و نفی تشبیه را انجام دهید و خدا را به خلق تشبیه نکنید؟ منظور این است که بیندیشید و تشخیص دهید که کور و بینا مساوی نیستند. (طبرسی، ۵۴۸ق، ج ۸، ص: ۹۷) همانطور در سوره اسراء آمده: ﴿فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا﴾؛ «پس هر کس بصیرت یافت خود به سعادت رسید و هر کس که کور بماند خود در زیان افتاد» (اسراء: آیه ۷) پس از آن که خداوند دلیل قطعی بر اثبات حق ارائه کرد می‌گوید: هر که از این دلیل پیروی کند به خود نیکی کرده و هر که با آن مخالفت کند به خود بدی کرده است. (مغنیه، ۱۳۷۸، ج ۳، ص: ۳۷۱)

بینایی چشم ← چنانکه در آیه مبارکه سوره انسان خداوند می‌فرماید: ﴿فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا﴾؛ بدین جهت او را شنوا و بینا قرار دادیم! (سوره انسان: آیه ۲)

در نگاه امام خامنه ای برخورداری از عنصر «بصیرت» به مثابه برخورداری از نعمت چشم در انسان است. یعنی آن چیزی که به اتکای آن راه از گمراهی بازشناخته می‌شود.

(<https://www.farsnews.ir/news/14011009000417>)

بینایی برهان و دلیل ← در سوره انعام آمده: ﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ﴾؛ «آیات الهی و کتب آسمانی که سبب بصیرت شماست البته از طرف پروردگارتان آمد» (سوره انعام: ۱۰۴) مراد از «بصائر» در این جا دلایل و براهین بر اثبات وجود خدا و یگانگی اوست. بصائر جمع بصیرت است و آن عبارت است از: شناختی که با قلب حاصل می‌شود و این شناخت از براهین و دلایل نشأت می‌گیرد. (مغنیه، ج ۳، ص: ۳۷۱، ۱۳۷۸ص)

۱- راه‌های کسب بصیرت

الف) الگوگیری از قرآن

خداوند انبیا و پیامبران را به منظور هدایت بشر بر اقوام مختلف مبعوث نمود و به وسیله آنان کلام خود را بر بندگان عرضه داشت و به هر کدام کتابی آسمانی عطا کرد. قرآن کریم آخرین و کامل‌ترین کتابی است که خداوند بر نبی اکرم(ص) به منظور هدایت و رفع شبهات و سوال‌های انسان نازل کرده است و تنها کتابی که روشن‌کننده عقل و نورانیت ضمیر درون آدمی است همین کلام وحی می‌باشد. استناد این موضوع در سوره بقره نمایان است که خداوند می‌فرماید: ﴿ذَٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾؛ «این کتاب که هیچ شکی در آن نیست و مایه هدایت پرهیزکاران است.» (سوره بقره: آیه ۲)

عقل انسان از توانایی بالایی برخوردار است تا جایی که راه صحیح و نادرست را به خوبی از هم شناسایی می‌نماید. خداوند بر همین مبنا در آیه فوق عدم شک و شبهه را نسبت به آیه‌های قرآن کریم رد می‌نماید و به انسان آگاهی می‌دهد که اگر ترسی یا خوفی و یا شکی در این مورد برای برایت رخ دهد بدان که در آن هیچ انحرافی و یا دروغ نیست. بنابراین توجه و استفاده از قرآن برترین منبع پاسخگویی به سوالات اعتقادی و عقلی انسان و شریف‌ترین راه رسیدن به کسب بینایی و غفلت زدایی است. امیرالمومنین (علیه السلام) نمونه و الگویی است که دلیل طلب بصیرت از قرآن را این چنین بیان می‌نماید که: «قرآن نوری است که خاموشی ندارد، چراغی است که درخشندگی آن زوال نپذیرد، دریایی است که ژرفای آن درک نشود، راهی است که رونده آن گمراه نگردد. قرآن چشمه‌های دانش و دریاهای علوم است قرآن فرماندهی، بازدارنده و ساکتی گویا و حجت خدا بر مخلوقات است» (نهج البلاغه ۱۹۸، ۱۸۳)

فضایلی که امام (علیه السلام) بیان می‌نماید نشان دهنده درک بالا عمیق ایشان می‌باشد. بنابر همین خصوصیت‌ها و ارزش‌هاست که امام(ع) راه افق سازی و وسعت بخشیدن به تفکر و دانایی راه پیوستن به قله برتر و والاتر می‌داند و با استفاده از آیات الهی هم در اخلاق فردی و هم اجتماعی و سیاسی توانایی عقلی خویش را به اوج رساندند. انسان‌های شاخص و برجسته اسلامی که نیاز فراوان خود را نسبت موضوع می‌دانستند به وسیله الگوگیری از ایشان به مقصد حقیقی وصل یافتند.

سکان‌دار ولایت رهبری نیز با شناخت این روش، آگاهی و معرفت کشور را در گرو انس با کتاب هدایتگر بیان می‌کنند و چنین می‌فرمایند که: «انس با قرآن، معرفت اسلامی را در ذهن ما قوی و عمیق‌تر می‌کند. بدبختی جوامع اسلامی، به خاطر دوری از قرآن و حقایق و معارف آن است. انس با قرآن، معرفت عمومی یک کشور را بالا می‌برد. حرکت را سریع‌تر خواهد کرد و راه را روشن‌تر خواهد نمود که هدف همین

است.» (جعفرزاده، ۱۳۹۳، ص ۶۶) اگر ما بصیرت نداشته باشیم، اگر ما بینش درست، چشم باز، هوشیاری لازم نداشته باشیم، نه درست منافع حقیقی مان را تشخیص میدهیم، نه درست راه رسیدن به این منافع را تشخیص می دهیم، نه درست آدمی را که باید این بار بزرگ را بر دوش بگیرد، می شناسیم. وقتی بصیرت نبود مثل انسانی است که چشم ندارد، راه را نمی بیند؛ بصیرت برای یک کشور، یک ملت و آحاد یک مجموعه، به این اهمیت است. (بیانات مقام معظم رهبری در مراسم دانش آموزی دانشجویان دانشگاه های افسری ارتش: ۱۳۹۸/۰۸/۰۸) (<https://farsi.khamenei.ir>)



این مشرب فکری که برگرفته از مولای متقیان است. ابتدا با انس قرآن شروع می شود و گام به گام به حرکت های بعدی تعقل و تدبیر در قرآن متصل می گردد. انس با قرآن، معرفت عمومی را افزایش می دهد و دنباله این معرفت همان بصیرت و بینش عمیق نسبت به حوادث جامعه و روزگار است.

ب) پیروی از سیره اهل بیت (علیهم السلام)

تاریخ زندگی و سیره اهل بیت (علیهم السلام) به طور خاص و ویژه، موجب بصیرت و بیداری دل ها است. هدایت اصلی و بصیرت کامل را باید از مسیر اهل بیت دریافت نمود، چراکه امامان معصوم هم قرآن ناطقند و هم بر این امر اصرار می ورزیدند و پیروان مکتب اسلام را اینگونه به حق و حقیقت سوق می دادند. حضرت علی (ع) می فرمایند: «مردم! به اهل بیت پیامبران بنگرید، از آن سو که گام برمی دارند بروید، قدم جای قدمشان بگذارید، آنها شما را هرگز از راه هدایت بیرون نمی برند، و به پستی و هلاکت باز نمی گردانند. اگر سکوت کردند سکوت کنید، و اگر قیام کردند قیام کنید، از آنها پیشی نگیرید که گمراه می شوید و از آنان عقب نمایند که نابود می گردید.» (نهج البلاغه، خطبه ۹۷)

کلام حضرت بیانگر یکی از راه های کسب بصیرت است و آن اطاعت کاملی است که انسان را از گمراهی و هلاکت دور نگه می دارد. مهمترین الگوی بصیرتی، بعد از قرآن سیره اهل بیت (علیهم السلام) است و باید با شناخت از گفتار و رفتار امام معصوم حق گرایانه و با بصیرت عمل نمود.

رهبری نیز در این باره می‌فرمایند که: «امام معصوم، انسان والایی است که از لحاظ دینی، قلب او آینه تابناک انوار هدایت الهی است روح او به سرچشمه وحی متصل است، هدایت او هدایت خاص است. هوای نفس در او راهی ندارد، گناه بر او چیره نمی‌شود و از لحاظ سیاسی پیش و سیع او آنچنان است که آرام‌ترین حرکات و ریزترین حوادث را در صحنه زندگی جامعه، با چشم تیزبین خود می‌بیند.» (جعفرزاده، ۱۳۹۲، ۷۳ ص) کسب بصیرت از راه شناخت سیره‌نامه، یک پشتوانه محکم و استوار است که هیچ باطلی در آن راه ندارد و توصیه به آن، در تنگناهای مسیر؛ نجات دهنده راهگشاست. و کسی که بتواند تحلیل و دید صحیحی از مسائل، اتفاقات و وقایع داشته باشد، بصیرت دارد.

ج) رعایت ایمان و تقوای الهی

پرهیزکاری و تقوا، از عوامل روشنایی ضمیر و بیداردلی است: افراد نباید در هیچ یک از مراحل زندگی از یاد خدا و تقوا غافل شوند، چراکه افراد با بال تقوا می‌توانند به سوی تکامل و سعادت اوج گیرند. تقوا به انسان حریت معنوی می‌دهد؛ یعنی او را از اسارت و بندگی هوا و هوس آزاد می‌کند، رشته طمع و آز، حسد، شهوت و خشم را از گردنش برمی‌دارد و به این ترتیب، ریشه رغبت‌ها و بردگی‌های اجتماعی را از بین می‌برد. مردمی که بنده و برده پول، مقام و راحت‌طلبی نباشند، هرگز زیر بار اسارت‌ها و رغبت‌های اجتماعی نمی‌روند. (مطهری، ۱۳۸۳، ص ۲۰۷)

از این رو سراسر وجود علی (ع)، خلق و خوی علی (ع)، تاریخ سیرت علی، رنگ و بوی علی، کلام و گفت‌وگوی علی؛ درس و سرمشق و تعلیم رهبری است. که جذبه‌های علی (ع) برای ما درس و آموزنده است، دفع‌های او نیز چنین است.

علی دو طبق را سخت دفع کرده است. ۱- منافقان زیرک؛ ۲- زاهدان احمق
همین مورد برای مدعیان تشیع کافی است که چشم بازکنند و فریب منافقان را نخورند، تیزبین باشند و ظاهربینی را رها نمایند، که جامعه تشیع در حال حاضر دشوار به این دو درد مبتلاست.
داشتن ایمان و تقوا، علم و معرفت، مداومت بر عمل صالح، این صفحه را سفید، صیقلی و نورانی می‌کند؛ خرافات، جهل، تعصبات و فسق و فجور آن را تاریک و سیاه می‌سازد. (همان؛ صص ۲۱۰-۲۱۱) چه بسا همیشه انسان‌های بلا دیده و سختی کشیده، پس از گذراندن سختی و مشکلات فراوان، همچون مروارید غلتان، ارزشمند و با اهمیت می‌شوند؛ زیرا آنها در زندگی‌شان از هیچ چیز نترسیدند و فقط به خداوند توکل کردند و خداوند نیز آنان را از فرش به عرش رساند، تا اینگونه به آنان پاداش داده باشد.

به طوریکه رهبری در مورد اخلاص در بصیرت می فرماید: هرچه قدر مخلصانه تر عمل کنید، خدای سبحان بصیرت شما را افزون می کند. «اللّٰهُ وَلِیُّ الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا یُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمٰتِ اِلَی النُّوْرِ»؛ خداوند ولی شماست. هرچه به خدا نزدیکتر شوید، بصیرت شما بیشتر خواهد شد و حقایق را بیشتر می بینید .

(بیانات رهبری در جمع ۱۱۰ هزار بسیجی در روز عید غدیر، ۱۳۸۹/۰۹/۰۴؛ <https://farsi.khamenei.ir>)



د) شناخت حقیقت ولایت و ولی مسلمین زمانه

اسلام عزیز با فداکاری و فدایی دادن عزیزان رشد نمود، برنامه اسلام از عصر وحی تاکنون، بر شهادت توأم با شهامت بوده است. قتال در راه خدا و راه مستضعفین در رأس برنامه های اسلام است. ابهت انقلاب شکوهمند اسلامی که دستاورد میلیون ها انسان باارزش و هزاران شهید جاوید و آسیب دیدگان عزیز؛ که مورد امید میلیون ها مستضعف و مسلمانان جهان هستند چرا که ارزیابی آن از عهده قلم و بیان والاتراست. بشر، موجودی است که به یک سلسله نیروها مجهز است و به رهبری و هدایت به پیشوا و پیشوایی نیازمند است، بهره مندی از نیروهای وی تابع یک سلسله قوانین بسیار ظریف و دقیق است، که شناخت آن قوانین کلید راه نفوذ در دل ها و مسلط شدن بر بشرست به همین علت مسائل رهبری با روان بشر سرو کار دارد. (مطهری، ۱۳۸۸، صص ۱۱۳-۱۱۵)

با این وجود که بررسی اندیشه ها و آرای رهبری و تأثیر آن در شکل گیری مبانی ذهنی انقلاب اسلامی بسیار مؤثر است. همینطور در جامعه ای که عدالت وجود نداشته باشد، هزاران هزار بیمار روانی به وجود می آیند. لذا اگر انقلاب ما در مسیر برقراری عدالت اجتماعی به پیش نرود، مطمئناً به نتیجه نخواهد رسید و این خطر هست که انقلاب دیگری با ماهیت دیگر جای آن را بگیرد. (همان: صص ۶۰)

ه) داشتن اندیشه و تجزیه تحلیل مسائل

صفت نیکونگریستن و امیدواری به آینده، به همراه استقامت و تلاش در برابر همه ناامیدی ها، از صفات بارز مقام معظم رهبری بود، و همین ویژگی از او یک اندیشمند جهانی ساخته بود. اندیشه والا و لبریز از

معنویتش او را به این باور رسانده بود که نسل جوان باید در پی رسیدن به یک انقلاب درونی باشد؛ انقلابی که او را دگرگون سازد؛ نگرشش را به آینده متحول سازد و از تمام سرمایه‌اش برای ساختن سنگری برای حفظ دین و قرآن استفاده کند. در پشت این تفکرات، نقطه‌های سازنده و روشنی نهفته است که اگر به آن عمل شود، حتماً به دستاوردهای تازه و بدیعی دست خواهند یافت.

آیت الله مطهری آزادی در تفکر را این گونه به رشته سخن در می‌آورد که نباید مانعی بر سر رشد استعدادهای انسان باشد، تا او بتواند به سوی ترقی حرکت کند و به درجات و رتبه‌های عالی برسد.

(حیدرزاده، ۱۳۸۹، ص ۲۸)

زمان امام علی(ع) دوره غبارآلودگی فضا بود و کفر به صورت روشن در مقابل اسلام نبود. بصیرت زیادی می‌خواست که انسان در چنین زمانی حق را از باطل تشخیص بدهد و در مقابل هجوم تیرهای فرهنگی دشمن نگرش والایی داشته باشد. در صورتی که یکی از سخت‌ترین جهادها این است که در مقابل با هجوم افکار و فرهنگ‌های غلط انحرافی با تفکر، با بیان و با منطق، با سلاح زبان و قلم، ذهن‌ها را به سمت آنچه درست است، هدایت کند. این از جهادهای بسیار دشوار است. (همان: ص ۳۸)

به تعبیر امیرالمومنین، خوارج سوءنیت نداشتند؛ کج سلیقه و جمود فکری داشتند. این عبارت را حضرت علی(ع) بعد از فراغ از کشتن خوارج فرموده است: «من بودم که چشم فتنه را از سرش درآوردم؛ غیر از من احدی جرأت این کار را نداشت و راست هم هست.» اگر بخواهیم در یک موضوع خدا را شکر بکنیم که در زمان علی(علیه السلام) نبودیم، حق داریم؛ چرا که اگر در آن زمان می‌بودیم، آنقدر ایمان نداشتیم که در آن موضوع ثابت قدم بمانیم. ممکن است ما اگر در زمان علی علیه السلام بودیم در جنگ صفین شرکت می‌کردیم در جنگ جمل هم شرکت می‌کردیم ولی باور نکنید اگر ما با علی می‌بودیم جرات می‌کردیم که در جنگ خوارج هم شرکت بکنیم! برای اینکه آنجا علی علیه السلام به جنگ کسانی رفت که از سر شب تا صبح بندگی می‌کردند و روزها روزه‌دار بودند و در پیشانی آنها آثار سجده بود. در صورتی که وجودشان برای اسلام خطر است جامدهایی هستند که برای اسلام زیانشان از دشمنان اسلام بیشتر است. اگر شخصیت علی(علیه السلام) نبود و آن نصوصی که پیامبر درباره علی علیه السلام کرد، نبود و بعد هم اگر آن زهد و مقام، تقوای علی نبود، بعد از علی هم هیچ خلیفه‌ای قدرت نداشت با خوارج بجنگد؛ هیچ سربازی جرات نمی‌کرد به جنگ خوارج برود ولی چون علی پیش قدم شده بود، آنها هم با خوارج می‌جنگیدند. (مطهری، ۱۳۶۸، ۱۱۹-۱۲۰) از نظر اسلام، تفکر آزاد است همه باید آزاد باشند که حاصل بینش و تفکرات اصلیشان را عرضه کنند. البته تذکر می‌دهیم که این امر، سوای توطئه و ریاکاری است. توطئه ممنوع است، اما عرضه اندیشه‌های اصیل آزاد است.

۲- راه‌های حفظ بصیرت

الف) ضرورت دشمن‌شناسی

یکی از مهمترین مباحث ضروری و قابل توجه در هر نظام موضوع دشمن‌شناسی است. در اسلام به موارد بسیاری از این قبیل اشاره شده است همینطور آیات و روایات فراوانی در این زمینه بیان گردیده که شامل شناسایی نوع دشمن، ابزار دشمن، شیوه فکری دشمن و.. می‌باشد.

نمونه بارز آن آیه ۲۶ سوره فصلت است که خداوند به یک نمونه از آن اشاره می‌فرماید: ﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْ فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَغْلِبُونَ﴾؛ «کسانی که کافر شدند و گفتند: گوش فرا ندهید و جار و جنجال درباره آن به راه بیندازید؛ باشد که شما بر مسلمانان پیروز گردید.» (فصلت: آیه ۲۶) از نشانه‌های یک مؤمن واقعی و انسان هوشیار این است که دوست و دشمن خویش را بشناسد. همواره در هر زمان و مکان به آن توجه داشته باشد. در آیه فوق خداوند یک گروه از دشمنان را که عنوان کافر (کسی که نعمت‌های خداوند را انکار می‌کند) را دارند به مؤمنان معرفی می‌نماید و در ادامه به نوع تفکر و عملکردهای آنان در مواجهه و برخورد با مسلمانان می‌پردازد.

با نگاهی به متن آیه به خوبی می‌توان دریافت که دشمن از گذشته تاکنون در پی مسموم نمودن اعتقادات و باورهای مردم مؤمن داشته است و این خود یک زنگ خطر اساسی برای مسلمانان به حساب می‌آید چراکه پر کاربردترین و راحت‌ترین راه فروپاشی یک دین براندازی باورها و اعتقادات یک ملت است. بنابراین یکی از راه‌های حفظ بصیرت در دین توجه و شناخت دسیسه‌ها و نقشه‌های دشمن می‌باشد.

لذا رهبری در دیدار اعضای عالی بسیج مستضعفین فرمودند:

«بعضی‌ها احساس دارند، احساس مسئولیت می‌کنند، انگیزه دارند اما این انگیزه را غلط خرج می‌کنند؛ بد جایی خرج میکنند؛ اسلحه را به آنجایی که باید، نشانه نمی‌گیرند؛ این بر اثر بی بصیرتی است.» (بیانات دیدار رهبری با اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین: ۱۳۹۳/۹/۶)

<https://farsi.khamenei.ir/newspart> چنانکه امیرالمومنین (علیه السلام) به عنوان پاسدار و الگوی بیداری جهان اسلام این مسیر را به صورت هدفمند طی کردند تا جایی که در جنگ جمل با استفاده از همین کلید طلایی آیات وحی (دشمن‌شناسی) نقشه‌های دشمن را باطل نمودند. در کتاب دانشنامه امام علی (علیه السلام) آمده است که در جنگ جمل در منطقه «حذیفه» آغاز شد. خطبه‌ها و سخنان امام علی (ع) در دشمنان کارگر نیفتاده و لشکر صف آرایی کردند، در اثنای جنگ، عمار یاسر، مالک اشتر و دیگر یاران امام علی (ع) جان فشانی‌های بسیار کردند، اما استواری سپاه دشمن به شتر عایشه بود. سرانجام به فرمان طلحه و زبیر، هر دو در این جنگ کشته شدند و عایشه به مدینه بازگردانده شد. (رشاد، ۱۳۸۲، چاپ دوم، ص ۲۵۲) جنگ جمل یکدیگر از فتنه‌ها و نبردهای خونین بود توسط عایشه و طلحه و زبیر به طول

انجامید. از آن جهت، آن را جمل می‌نامند که عایشه سوار بر شتر که به بهانه خونخواهی عثمان و قاتل او (امام علی ع) این جنگ را راهاندازی کردند. و این در حالی بود که امام با موضع‌گیری‌ها و دلیل‌های معتبر این اتهام را رد نمودند اما آنان با پیمان شکنی و لجاجت به نبرد و تحریک مردم پرداختند.

یکی از عملکردهای قابل توجه و جذاب امام علی (علیه السلام) در این مورد، شناخت ابزار دشمن بود. به راستی چه چیزی جز شتر عایشه و غرور ابوبکر عامل ایجاد نبرد گردید. بر همین اساس امام با هوشیاری و شناخت ابزاری دشمن با استفاده از محمد بن ابوبکر که برادر عایشه محرم او بود شتر را پی کرد و فتنه را خاموش کرد.

سیره سیاسی و نظامی امام (علیه السلام) اسوه ای هوشمند برای حکومت‌داران بینا و روشن فکر جهان اسلام است. از آن جهت، سید علی خامنه‌ای فرمانده کل قوا با بهره‌گیری و الگوگیری از آن امام (ع) بزرگوار در مواجهه با نقشه‌ها و ابزارهای دشمن، بصیرت خویش را حفظ نموده و به مبارزه با آنان پرداخته، نمونه عینی آن رویداد تاریخی حادثه منا و نهم دی‌ماه سال ۱۳۸۸ مردم ایران با حضور در خیابان‌ها و راهپیمایی، حمایت خود را از انقلاب اسلامی ایران در مقابل فتنه‌گران و آشوبگرانی که ادعای تقلب در انتخابات ریاست جمهوری داشتند، اعلام کردند. از این جهت مقام معظم رهبری فرمودند: «اگر صدها بار هم برای نعمت هوشیاری این ملت سجده شکر به جای آورده شود، باز هم کم است. حماسه‌ای که محاسبات دشمن را به هم ریخت، محاسباتی که با همکاری و برنامه‌ریزی عده‌ای اقلیت در داخل از روی بغض و کینه شکل گرفته بود اما در این روز حماسی امت اسلامی یک بار دیگر با بصیرت عمل کرد و دشمنان نظام مایوس شدند. حماسه ۹ دی نماد عزت، استقلال و بصیرت مردمی است که تا پای جان برای حفظ اصول اسلام و آرمان‌های انقلاب ایستاده‌اند و با صدای رسا اعلام کردند که اگر دشمن در برابر دین آن‌ها بایستد در برابر تمام دنیای آن‌ها خواهند ایستاد.

(<https://www.farsnews.ir/kermanshah/news>)



بصیرت این است که شما بدانید با چه کسی طرفید، بدانید که او درباره شما چه فکری دارد، بدانید که اگر چشم خودتان را بستید و فکر نکردید، ضربه خواهید خورد. (بیانات در دیدار مردم اصفهان: ۱۳۹۵/۸/۲۶،

(<https://www.leader.ir/fa/speech/16725>)

ب) اخلاق گرایی با محوریت صبر

قرآن کریم و روایات دین سرشار از فضایل و پندهای اخلاقی است. صفت صبر یکی از واژه‌هایی است که خداوند در آیات مختلف بیان کرده این لفظ به معنای مقاومت قلبی، استقامت، شجاعت و دوری از هرگونه ضعف و سستی می‌باشد. کسی که این صفت را دارا باشد صبور می‌نامند. فلسفه اصلی عملی کردن این صفت رسیدن به هدف‌های عالی می‌باشد. در سیره اخلاقی - سیاسی امام معصوم به موارد بسیاری از این جلوه برمی‌خوریم؛ از نمونه‌های آن می‌توان: صبر بر مصیبت، صبر بر معصیت و صبر بر عبادت معرفی نمود و این نشان از عمق بصیرت و بینایی آن بزرگواران را می‌رساند.

در روایتی از رسول اکرم آمده است که از حضرت جبرئیل پرسیدند: «فما تفسیر الصبر» صبر چیست؟ «تبصر فی الضراء کما تبصر فی السراء و فی العافیة فلا یشکوا حالة عند الخلق بما یصیب من البلاء» جبرئیل گفت: صبر این است که در نارحتی‌ها صبر می‌کنی همان طور که در شادمانی صبر می‌کردی و در رفاه، حالش را به آنچه که از بلای مردم به او می‌رسد شکایت نمی‌کند و صبر پیشه می‌کند. (ابن بابویه، ۲۶۱، ۱/۱۳۶۱).

در تفسیر کلی این حدیث چنین می‌توان گفت: که صبر جز استقامت و مقاومت در برابر هر امری که برای انسان به وجود می‌آید خواه بیماری، فقر، سلامتی و.. امامان (علیهم السلام) الگو و اسوه صبر و قهرمان ایستادگی در مقابل حوادث و رویدادهای بزرگ اسلام بوده اند. حتی یک مورد بی‌صبری در عملکرد آنها دیده نشده است که سینه خویش را در برابر فتنه‌ها و اتفاق‌های زمانه به منظور پایداری آیین اسلام سپر بلاها نموده و طی ۲۵ سال خانه‌نشینی با استفاده از صفت صبر، بصیرت خویش را حفظ نمودند. تا جایی که فرمودند: «به خدا سوگند! ابابکر، جامه خلافت را بر تن کرد در حالی که می‌دانست جایگاه من نسبت به حکومت چون محور آسیاب به آسیاب که در آن دوران حرکت می‌کند. پس من ردای خلافت رها کرده و دامن جمع نموده از آن کناره‌گیری کردم و در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خود به پا خیزم؟ یا در این محیط خفقان زار تاریکی که به وجود آوردند صبر پیشه سازم؟ پس از ارزیابی درست، صبر را خردمندانه تردیدم. (نهج البلاغه، خطبه شقیقه، ۲۹) چراکه اهمیت بصیرت نسبت به معرفت برای حل مشکلات جامعه در کنار صبر می‌تواند نقش هدایت جامعه را داشته باشد.

رهبر انقلاب خاطر نشان کرد: امروز جنگ، جنگ روایت‌ها است؛ روایت همان بصیرت است باید روایتی پذیرفته شود که بر پایه بصیرت ارائه شده باشد. همیشه بعد از توطئه‌های دشمن و اتفاقات این حضور



پررنگ مردم است که نتیجه را به نفع جبهه حق و انقلاب اسلامی منتهی می‌کند. و در برابر سختی‌ها و مشکلات اتفاقاتی که در جامعه می‌افتد خود را شکست خورده نمی‌بیند، بلکه وارد میدان می‌شود و از آن تهدید یک فرصت می‌سازد.



پس از رحلت پیامبر(ص) مردم بیعت عمومی خود را که در منطقه غدیر رخ داد، شکستند و امام خویش را انکار و مسند خلافت پایین آوردند تا آنجا که موجب شهادت همسرشان و از دست رفتن فرزندشان «محسن» گردیدند. اما ایشان بنا به مصلحت و بصیرتی که نسبت به اوضاع آن زمان (ترس از ارتداد تازه مسلمانان و خوف از دست رفتن فرزندان و نسل پیامبر و یاران باوفای ایشان) داشتند صبر را یکی از برترین راه‌های حفظ نظام و شریعت اسلام دانستند. بنابراین یکی از برترین شیوه‌های حفظ بیداری مقاومت و ایستادگی توأم با صبر می‌باشد چنانکه امام علی(علیه‌السلام) الگوی هوشیاری جهانیان از این روش الهی به منظور استحکام حکومت استفاده نمودند. امام خامنه‌ای رهبر تیزهوش و با ذکاوت جمهوری اسلامی ایران به پیروی از آن امام بزرگوار در مسئله برجام و فتنه سال ۸۸ با این روش (صبر) بر بینایی خویش افزودند و مردم را آگاهی ساختند.

3-موانع کسب بصیرت

الف) دنیا طلبی

عمده‌ترین عاملی که نقش فعال در نابودی شخصیت انسان دارد وجود خواسته‌ها و تمایلات نامحدود می‌باشد. وابستگی به دنیا آنچنان در وجود آدمی رسوخ می‌کند که گاه تشخیص حق و باطل و راه و بی‌راهه را برای او سخت می‌نماید. آیات و روایات بسیاری در این باره آمده است که انسان را به ترک دنیا مذموم و ترس از وابستگی به بصیرت و فهم انسان می‌گذارد چرا که چشم، دل و گوش را کور و کر می‌نماید به گونه‌ای که راهی برای کشف حقایق و دیدن آنها پیدا نمی‌شود. به ویژه در عرصه‌ای که آدمی به عنوان عضوی برتر در جامعه، به ویژه جامعه اسلامی باشد. بر همین اساس امیرالمومنین (علیه السلام) مردم را آگاهی می‌دهد و می‌فرماید: «آگاه باشید! دنیای حرام چنان عشوهرگر هرزه‌ای است که تسلیم نشود، و مرکب

سرکشی است که فرمان نبرد، دروغگویی خیانتکار، ناسپاس حق شناس، دشمن حيله گر، پشت کننده ای سرگردان، حالاتش متزلزل، عزتش خواری، جدش بازی و شوخی و بلندی آن سقوط است. (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۱)

کلام امام سرشار از معارف و آموزه های اخلاقی و تربیتی است ایشان در سخنان خویش دنیا را به سان موجودی خبیث و پلید برای مردم معرفی می نمایند. در عصر امام علی (ع) افراد فراوانی با این صفت در حکومت اسلامی حکمرانی می نمودند و این یک آفت اساسی برای فروریزی بنای نظام اسلامی محسوب می گردد.

خلفای سه گانه اول با عملکرد خیانت کارانه موجب تزلزل و نابودی جامعه آن زمان گردند. آنان نه تنها مدینه و شهر پیامبر و دیگر سرزمین اسلامی را بحران ها و حملات فرهنگی، اعتقادی و نظامی حفظ نکردند بلکه انواع شبهات و فتنه ها را ایجاد نمودند.

علت اصلی آن هم خودپرستی حرص و طمع به مال و گنجینه اقتصادی پیشرفت مردم بود. ناکثین که توسط اصحاب جمل به سرپرستی عایشه صورت گرفت دلیل و سبب آن پیروی از امیال دنیوی بوده است. بنابراین سم کشنده و شاه کلید همه آسیب ها، هوس ها، جنگ ها و.. همین دنیا طلبی است که موجب می شود افراد یک جامعه یا گروهی خاص به مبارزه با فردی که دارای معصومیت و مرتبه الهی و همچنین عنوان سرپرستی نظام می باشد پردازند و این در حادثه قتل امام (ع) و ضربت خوردن ایشان در شب نوزدهم رمضان صدق می کند. پیروان و نسل ولایت هم بر همین مسئله در دیدارهای مردمی تاکید می ورزند. به ویژه فرمانده قوای جم ۷۲ میلیونی جمهوری اسلامی، امام خامنه ای نسبت به موضوع دنیا حساسیت خاصی نشان می دهند و می فرمایند: «دنیاداران و کسانی که دل هایشان پر از هوس به دنیا و شئون مادی دنیاست، نمی توانند عدالت را اجرا کنند. کسی که برای خود مسئولیتی قائل است، اگر دنیا زده و رفاه زده شد، کارش زار خواهد شد و کار مردم را خواهد کرد». (بیانات در دیدار مردم در سالروز میلاد امام علی علیه السلام و دیدار جوانان استان اصفهان ۸۷/۴/۲۶ و ۸۰/۸/۱۲، <https://farsi.khamenei.ir/newspart>)

افراد دنیا طلب تنها مختص به یک زمان نیستند در زمان حاضر امکانات رفاهی و تفریحی و رزق و برقه های فراوانی نسبت به گذشته ظاهر شده است و اندوخته های صندوق بیت المال چند برابر گردیده است و این در حالی است که برخی از کارگزاران با کم توجهی به ثروت های ملی، و اختلاس های اقتصادی در نظام بانکی و اداری کشور موجب اعتراض ها و انتقادهای مقام معظم رهبری گردیده اند چرا که دنیاگرایی و خواسته های شخصی خود را بر نیاز های عمومی مردم ترجیح داده اند.



بر همین اساس است که مقام شامخ ولایت دلیل اصلی بی بصیرتی را دنیاگرایی به شمار آورده‌اند و آن را به عنوان یک عامل عمده برای از بین بردن عدالت در سطح جامعه به حساب آورده‌اند.

ب) پیدایش بدعت‌ها

یکی از موانع بصیرتی که حاکمان اسلامی را رنج می‌دهد پیدایش فتنه‌ها و گناهان می‌باشد. این پدیده توسط افراد و گروه‌هایی است که به مقابله با دستورات پروردگار و افکار آن می‌باشد. نمونه بارز آن، گوساله پرستی در زمان حضرت موسی علیه السلام در مدت ۴۰ شبانه روز به عبادت پروردگار مشغول بودند. امام علی (ع) این دسته از افراد فتنه‌گر را اینگونه معرفی می‌نماید: «دشمن‌ترین آفریده‌ها نزد خداوند دو نفرند ۱. مردی که خدا او را به حال خود گذاشته، و از راه راست دور افتاده است، دل او شیفته بدعت است و مردم را گمراه کرده، و به فتنه‌انگیزی می‌کشانند و راه رستگاری گذشتگان را گم کرده و طرفداران خود و آیندگان را گمراه ساخته است. بار گناه دیگران را بر دوش کشیده و گرفتار زشتی‌های خود نیز می‌باشد. ۲- و مردی که مجهولاتی به هم بافته، و در میان انسان‌های نادان امت، جایگاهی پیدا کرده است، در تاریکی‌های فتنه فرو رفته، و از مشاهده صلح و صفا کور است. آدم‌نماها او را عالم نامیدند که نیست، چیزی را بسیار جمع می‌کند که اندک آن به از بسیار است، تا آنکه از آب گندیده سیراب شود، و دانش و اطلاعات بیهوده فراهم آورد.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷)

همانگونه که امام مطرح نموده‌اند اینگونه می‌توان گفت که: بدعت‌ها و پیدایش آنها از عوامل اصلی بی بصیرتی می‌باشد چرا که ابداع شیوه گناهان و جهل خود به تنهایی می‌تواند این عامل نابینایی عقل و این امر گردیده تا مسلمانان از دین فاصله گیرند و به جهالت مدرن با پوست جذاب و زیبا جلوه‌گری نماید. در دوران امام علی (علیه السلام) بدعت‌های فراوانی رخ داده است از جمله تغییر در شیوه عملی احکام شرعی که از طرف عمر و ابوبکر رخ داد یکی دیگر از انواع بدعت‌گذاری‌ها است و این عملکرد موجب شد تا برخی از مردم از سطح سواد و تفکر پایین برخوردار بودند به پیروی از آن خلفا سنت‌های جاهلانه آنان را عملی ساختند تا آنجا که مذهب ساختگی اهل سنت را ایجاد نمودند.

نتیجه‌گیری

جامعه‌ای که بصیر باشند تسلیم فشار تبلیغاتی دشمن نشده و نخواهد شد کسانی که به خاطر نداشتن بصیرت راه را اشتباه پیموده‌اند چه در زمان امیرالمومنین و چه عصر حاضر کم نیستند، این افراد نه تنها خود را به اشتباه پیمودند بلکه موجی از جامعه را همگام با خود کردند و با تمایلات و میل‌های مادی‌گرا؛ دشمن هم سو شدند، پس ملاک را خواست مغرضانه دشمن نباید در نظر گرفت.

پس باید از دشمن همیشه فعال بر حذر بود، و اجازه نفوذ نداد و طبق خواست و صلاحیت دشمن، به همسوس شدن با بازی با الفاظ دشمن خود مقدمه هم گروه شدن با بی بصیران است.

یکی از شاخص های راهگشایی به بصیرت رهبر انقلاب به تأسی از امام علی علیه السلام معرفی کردند، سنجیدن افراد با حق و پرهیز از سنجیدن حق با افراد است. همانطوری که امیرالمومنین فرمودند با چهره ها نمی شود حق را تشخیص داد یک چهره موجه محترم است اما نمی تواند شاخص حق باشد. مثلاً چهره موجه بعضی از صحابه پیامبر که راه را اشتباهی می پیمودند در نهایت باید حق را شناخت تا درک کنیم که شامل حق است یا باطل، پس شاخص حق اشخاصی نیستند.

منابع

*قرآن کریم

*نهج البلاغه

۱. آیت الله هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۱۱): فرهنگ قرآن، ج ۶، چ ۶، تهران، انتشارات بوستان کتاب.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۱): معانی الاخبار، قم، چ ۱، المکتبه الاسلامیه دفتر انتشارات اسلامی
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۳۷۵): لسان العرب، ج ۴، بیروت، دار صادر
۱. (بیانات مقام معظم رهبری در مراسم دانش آموختگی دانشجویان دانشگاه های افسری ارتش: ۱۳۹۸/۰۸/۰۸
(<https://farsi.khamenei.ir>)
۲. (بیانات دیدار رهبری با اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین: ۱۳۹۳/۹/۶
(<https://farsi.khamenei.ir/newspart>)
۳. (بیانات در دیدار مردم در سالروز میلاد امام علی علیه السلام و دیدار جوانان استان اصفهان ۲۶/۴/۸۷ و ۱۲/۸/۸۰
(<https://farsi.khamenei.ir/newspart>)

۴. (بیانات در دیدار مردم اصفهان: ۱۳۹۵/۸/۲۶: <https://www.leader.ir/fa/speech/16725>)

۵. (بیانات رهبری در جمع ۱۱۰ هزار بسیجی در روز عید غدیر، ۱۳۸۹/۰۹/۰۴؛ <https://farsi>.)

khamenei.ir

۶. جعفر زاده، محمد حسن (۱۳۹۲): گامی به سوی مهندسی فرهنگ کشور از دیدگاه رهبری، قم، مؤسسه فرهنگ و الاء منتظر.

۷. جمشیدی، مهدی (۱۴۰۲): درآمدی بر اندیشه فرهنگی آیت الله خامنه ای، چ ۶، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۸. حیدرزادہ، عباس (۱۳۸۹): بصیرت مطہر، چ ۱، قم، انتشارات بیت الاحزان فاطمہ.

۹. رشاد، علی اکبر (۱۳۸۲): دانشنامه امام علی ع، چاپ دوم، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلام.

۱۰. طبرسی، فضل بن حسن، (۵۴۸ق) ترجمه تفسیر مجمع البیان، ۲۷ جلد، - ایران - تهران، چاپ: ۱، فراہانی.

۱۱. مطهری، مرتضی (۱۳۹۵): کتاب حکمت‌ها و اندرزها، ج ۱، تهران، مؤسسه انتشارات صدرا.

۱۲. مطهری، مرتضی (۱۳۸۳): سیری در نهج البلاغه، ج ۱، تهران، مؤسسه انتشارات صدرا.

۱۳. مطهری، مرتضی (۱۳۶۸): اسلام و مقتضیات اسلام، ج ۲، چ ۴، تهران، مؤسسه انتشارات صدرا.

۱۴. مطهری، مرتضی (۱۳۸۴): پیرامون انقلاب اسلامی، چ ۲۴، تهران، مؤسسه انتشارات صدرا.

۱۵. مطهری، مرتضی (۱۳۸۸): *امدادهای غیبی در زندگی بشر*، چ ۲۲، تهران، مؤسسه انتشارات صدرا.

۱۶. مغنیہ، محمد جواد، (۱۳۷۸) ترجمہ تفسیر کاشف، ج ۳- ایران - قم، چاپ: ۱، بوستان کتاب قم

(انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)

(<https://www.farsnews.ir/kermanshah/news>).^{۱۷}

(<https://www.farsnews.ir/news/14011009000417>). ۱۸